

نقدی بر ماضع اپورتونیستی سازمان انقلابی

بخش نهم:

دگم اندیشی سازمان انقلابی:

سازمان انقلابی در بخش هشتم نوشته "دنکشوت های مائو نیست... " مینویسد: " مائوئیست ها از جمله دیده درایانی هستند که دیده درائی "پرچمی ها" و "خلقی ها" را در ذهن تداعی می کنند. از یک سو مینویسند که "این سازمان در حالیکه از نظر سواد سیاسی و معلومات عمومی در حدی نیست که سازمان به مفهوم یک شکل واقعاً طبقاتی (ولی بورژوازی) باشد... " ولی از سوی دیگر در نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی مینویسد که "از مدتی به این طرف نوشته ها و اعلامیه های به نام سازمان انقلابی افغانستان در سایت... افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " به نشر میرسد با وجودی که بسا از مطالب این نبشته ها قابل استفاده است " هنوز چند روزی از این حیلہ گری نگذشته بود که نوشتند " موج دوم حملات سایت افغانستان آزاد بعد از کنگره دوم سازمان انقلابی - بخوان بخش انجوائی و رسانه ای سازمان رهائی آغاز گردید (باز هم به پاسخ حملات خصمانه، لمپانه و فحش گونه سایت دو سره استخباراتی افغانستان آزاد- آزاد افغانستان 8 حمل 1392 " مادر نوشته های خویش مکرر ایاد آور شده ایم که سازمان انقلابی که در تخیلات سیر و سفر دارد، همیشه بدون خریطه فیر میکند و قضایا را سوپژکتیویستی مورد ارزیابی و نقد قرار میدهد. وقتی سازمان انقلابی ادعا میکند که "مائوئیست ها از جمله دیده درایانی هستند که دیده درائی پرچمی ها و خلقی ها را در ذهن تداعی میکند " در این مورد هیچ مثالی نمیدهد و در مورد، دیده درائی پرچمی ها و خلقی ها هیچ توضیحی ارائه نمیکند که آنها چه دیده درائی داشتند و دیده درائی آنها با دیده درائی مائوئیست ها چه شباهتی دارد، که دیده درائی پرچمی ها و خلقی ها را در ذهن بیمارگونه حضرات سازمان انقلابی تداعی میکند. وقتی رهبر سازمان رهائی و سازمان انقلابی فیض احمد فقید بین شعله ای ها و پرچمی ها فرق قایل نباشد و هر دوی شان را با یک قمچین شلاق کش کند باید شاگردان وی، سازمان با اصطلاح انقلابی در مورد جنبش مائوئیستی افغانستان قضاوت غیر علمی و غیر اخلاقی کند و آن ها را دیده درایانی معرفی کند که دیده درائی پرچمی ها و خلقی ها را در ذهن سازمان انقلابی تداعی نماید. به تعقیب آن مینویسد: "... ولی از سوی دیگر در نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی مینویسد که: " از مدتی به این طرف نوشته ها و اعلامیه های به نام سازمان انقلابی افغانستان به نشر میرسد با وجود که بسا از

مطالب آن قابل استفاده است " سخن دوم شان حيله گرانه است "نمیدانم کجای این سخن حيله گرانه است .حضرات سازمان انقلابی آن قدر در لجنزار ابتذال دگماتیستی وپوچیستی فرورفته اند که هرگاه "مطالب قابل استفاده آنها را یادآور شوی درگوش شان دشنام میآیدوآن را حيله گرانه توجیه میکنند.این واقعیت است که حتی در نوشته های اپور تونیست ها هم مواردی یافت میشود که قابل استفاده است . اما این بدان معنا نیست که سازمان انقلابی یک سازمان اپورتونیستی ورویزیونیستی نیست .سازمان انقلابی از بس که در جهالت ونادانی شنا میکند "مطالب قابل استفاده "سازمان انقلابی را تا مشی اپور تونیستی ورویزیونیستی آن فرق نمیکند .اگر بگذریم از تمام چرندیات سازمان انقلابی که در ۱۶ بخش نبشته های شان بیرون داده اند حداقل یک تعدادنقل قول های که از پیشوایان بزرگ جنبش کارگری نقل قول نموده اند (اگرچه از این نقل قول ها استفاده بیموردتوجیه نادرست نموده اند) ادعای ما را ثابت میسازد که بسا ویا بعضی از مطالب آن قابل استفاده است. از آنجائیکه سازمان انقلابی دگم اندیشی را از سازمان اسلاف شان رهائی به ارث برده اند هر چیز را یا سفید ویا سیاه می بینند .به نظر سازمان انقلابی ،وقتی ما گفته ایم که "بسا از مطالب این نوشته ها قابل استفاده است " پس حق نداریم مشی اپورتونیستی ورویزیونیستی سازمان انقلابی را مورد نقد قراردهیم .این سازمان رهائی وداکتر فیض احمد فقید بودند که با دگم اندیشی یکسره بر تئوری و عملکرد سازمان جوانان مترقی وجریان دموکراتیک نوین شعله جاوید خط بطلان کشیدند وبنابر اعتراف خودشان به درک غلط رسیدند ومانند پس منظر نویسان خائن وجاسوس به نفی "س-ج-م"وجریان دموکراتیک نوین(شعله جاوید) پرداختندوآنها را رویزویو نیست های خلق وپرچم یکی دانستند وحال شاگردان وفادار آن به شکل وشمایلی دیگر به تخریب، توطئه ،افشاگری وجاسوسی بر ضد جنبش انقلابی مائوئیستی افغانستان تیغ از نیام کشیده اند وتوسط مدافعین جاسوس وفحاش شان موسوی ،کبیر توحی ومیرویس نادان محمودی جاسوسی آنها را میکنند وحتی به فامیل های آنها دو دشنام میدهند.درجای دیگر می نویسد:"مائوئیست ها به خوبی می فهمند که ما استفراغ سازمان رهائی نیستیم ... زیرا همه میدانند که مبارهائی قطع رابطه وعلیه انحرافات او مبارزه کردیم ولی جالب این است که تا چند پیش قسمت عمده استفراغ رهائی برای ایشان قابل استفاده بوده است .اگر واضحتر صحبت کنیم .ایشان قسمت اعظم استفراغ رهائی را با اشتهای تمام بلعیده وازآن به گفته خودشان لذت برده اند ومرا از طریق ایمل اطمینان داده اند،نوش جان شان باد"سازمان انقلابی که ازمنطق انقلابی تهی است ،دراینجابه مسخره گی پناه میبرد وبا این لچکی وهرزه گوئی کوچه وبازاری میخواهد استفراغ بودن خویش ر انکار نماید وچنین وانمود میسازد که گویا ما استفراغ سازمان رهائی نیستیم وآن را نقد کرده ایم.در حالیکه واقعیت این است که سازمان انقلابی با وجود تمام خاکبادی اش با سازمان رهائی فقط در نام فرق دارد ولی در نظر و عمل هر دوی این سازمان در منجلااب اپورتونیزم ورویزیونیزم سه جهانی دست وپا میزنند .امادر مورد نیشخندی ،طنزگوئی وبی ادبی سازمان انقلابی باید باید متذکر شویم که استفراغ نمودن یک امر

طبیعی است اما بلعیدن آن توسط انسان اولین باری است که توسط سازمان انقلابی که در لجنزار فرومایگی و بی ادبی وضع اخلاقی فرورفته است مطرح میشود. در حالیکه هیچ انسان حتی اگر پائین تر از فرومایگان سازمان انقلابی هم باشد، سزاوار آن نیست که آن را به بلعیدن استفراغ متهم بسازیم. سازمان انقلابی با این جهالت و نادانی، وطنز گوئی لچکانه در ابتدال لچکی و مسخره گی فرورفته است. حیف نام انقلابی که بالای همچو اشخاص هرزه و نادان گذاشته شده است، و در تحت آن به هرزه گوئی می پردازند. سازمان انقلابی فکر میکند که با این هرزه گوئی و نیشخندی میتواند کسب هویت نماید، در حالیکه با این نوشته های مبتذل و غیر علمی به روی خود سیلی کاری میکند. سازمان انقلابی هر قدر که به اراجیف و مسخره گی پناه ببرد، همانقدر از مثنی مترقی دور میشود و سرانجام مانند وکیلان مدافعی موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی در لجن زار لمپنی و فحاشی غرق میگردد.

باز هم شیادی و جعل کاری سازمان انقلابی:

سازمان انقلابی که تهی از منطق علمی است و با تئوری رویونیستی وارد معرکه میشود. در نوشته های بی محتوای خویش همیشه دست به توطئه و جعل کاری میزند و قسمت های از نوشته های "م-ل-م" هارا نقل قول و تعبیرهای من در آوردی از جانب خود در آن اضافه میکند. این کار سازمان انقلابی ناصادقی و خائن بودن آن سازمان را هویدا می سازد. در جائی از مائوئیست های افغانستان چنین نقل قول میکند: "در حال حاضر ملیت پشتون [به شمول کارگران، دهقانان و سایر زحمت کشان] در افغانستان ملیت ستمگر است" در حالیکه اصل نوشته مائوئیست ها چنین است: "در حال حاضر ملیت پشتون در افغانستان ملیت ستمگر است" [به شمول کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان] را سازمان انقلابی جعل کرده و در کنار آن سنجاق نموده است. این کار سازمان انقلابی نهایت جعل کاری و عدم صداقت این سازمان را نه تنها در سیاست بلکه در نویسندگی هم نشان میدهد. وقتی "م-ل-م" ها از ستمگری ملیت پشتون صحبت میکنند. آماج حملات آن ها طبقات ستمگر ملیت پشتون است نه کارگران دهقانان و سایر زحمت کشان ملیت پشتون. طبقات حاکمه و ستمگر ملیت پشتون نه تنها طبقه محروم دیگر ملیت هارا مورد غارت؛ استثمار و توهین و تحقیر قرار میدهند بلکه طبقه کارگر، دهقانان و زحمت کشان ملیت خود را نیز مورد استثمار و غارت قرار میدهند. از نوشته و بر داشت سازمان انقلابی معلوم میشود که حضرات سازمان انقلابی از شووینیزم و ستمگری ملی و طبقاتی به اندازه قاعده بغدادی هم بوئی نبرده اند و طرح این مسئله را دشمنی با کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان ارزیابی میکنند. وقتی لینن و استالین از ستمگری ملی روس ها صحبت میکردند آیا منظور شان دشمنی با کارگران، دهقانان و سایر زحمت کشان بود یا با طبقه حاکمه ملت روس. سازمان انقلابی با این نادانی و جهالت و نوشته های بی پایه و غیر

علمی نه تنها خود را رسوا میسازد بلکه در قعر تسلیم طلبی و فرومایگی ملی و طبقاتی فرو میرود. به تعقیب آن از قول مائو نیست های افغانستان چنین نقل قول میکند: "پروژه های عظیم زراعتی مانند فارم هده، غازی آباد و نهر ها و کانال های آبیاری و زمین های زراعتی درجه اول و جلگه های سر سبز افغانستان نیز به ملیت پشتون تعلق دارد این شکل جعل کاری نموده است: "پروژه های عظیم زراعتی مانند فارم هده، غازی آباد و نهرها و کانال های آبیاری و زمین های زراعتی درجه اول و جلگه های سر سبز افغانستان نیز به ملیت پشتون [به شمول کارگران، دهقانان و سایر زحمت کشان] تعلق دارد" نوشته های بین قوس ها که به رنگ سبز نشانی شده است جعل کاری و فرومایگی و بی وجدانی سازمان انقلابی است. این است خیانت و جعل کاری سازمان انقلابی افغانستان که حتی در نویسندگی که یک فن شریف است هم دستبرد و جعل کاری میکنند و از طرف خود در نوشته های دیگران جملات اضافی را جا به جا میسازند. به تعقیب آن مینویسند: "مگر این عبارت پردازی بازبان کامران میر هزار، فرشته حضرتی، حفیظ منصور، زریاب، پرتونادری و عطا محمد نور تفاوتی دارد مگر آنان از فاشیسم پشتون ها "اوغان های فاشیست" دولت پشتون ها و حاکمیت قبیله و غیره نمی نالند و راه حل را در تجزیه افغانستان نمیدانند." سازمان انقلابی با این چرندیات و جعل کاری مقایسوی باز هم در ابتذال جهالت و نادانی سیر و سفر میکند. نخست اینکه کامران میر هزار، فرشته حضرتی، حفیظ منصور، پرتونادری و عطا محمد نور نمایندگان فکری طبقات استثمارگر جامعه هستند و با استثمارگران ملیت پشتون کرزی، رسول سیاف، ارغندیوال، فاروق وردک و فاشیست های افغان ملت کدام مشکلی ندارند و همه ای آن ها از یک آخور تغذیه می کنند و به صورت مشترک در دولت دست نشانده کرزی به غارت و چور و چپاول مشغول اند و طبقه کارگر، دهقان و سایر زحمت کشان افغانستان را مورد استثمار و بهره کشی قرار میدهند. آنها حتی با دادنورانی فقید رهبر سازمان انقلابی هم کدام مشکلی نداشتند و در کنار یکدیگر مشق دموکراسی میکردند و به حیث صاحب نظر در تلویزیون های به ظاهر ملی ولی در اصل امپریالیستی نخره میکردند. آنها هیچگاهی هم مبارزه شان را تا سرحد تجزیه جدائی و خود مختاری ملی پیش نمی برند زیرا هر دو جناح به طبقات ستمگر جامعه، ملاک کمپرادور های مزدور و باداران بین المللی آن ها تعلق دارند و نفع خویش را در وحدت و چانه زنی بین همدیگر جستجو میکنند نه در جدائی و تجزیه. زیرا آنها نه از خود استقلال دارند و نه آزادی و گوش به فرمان باداران بین المللی شان میباشند. یک مثال ساده برای حضرات سازمان انقلابی میدهم. همین دوستم جلا د را که شما از آن یا آور میشوید، ببینید که چطور در طول دوازده سال در کنار کرزی و اکنون در کنار اشرف غنی احمد زی پشتون تبار قرار میگیرد و شما ناخردانه مهر تجزیه طلبی را بالای آن حک میکنید. زیرا دوستم نه نماینده بورژوازی ملی ملیت ازبک است و نه نماینده مردم و اگر گاهی به دفاع از ملیت ازبک می پردازد نه به خاطر خود مختاری ملیت ازبک است بلکه بخاطر امتیازگیری است. جای تأسف است که سازمان انقلابی تا حال

از ستمگری ملی و طبقاتی بوئی نبرده است و زمانیکه ما ستمگری ملی و طبقاتی ملیت پشتون را مورد حمله قرار میدهیم سازمان انقلابی به دفاع از طبقات ملاک کمپرادور ملیت پشتون بر میخیزد و ما را در کنار عطا محمد نور ، حفیظ منصور فرشته حضرتی و دیگر خائنین قرار میدهد. و از آن گذشته توسط وکیلان لمپن و فحاشش موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی مانند فواحش مرادخانی و سرچوک هزار دو و دشنام به ما میدهند و نادانی، جهالت، لمپنی و فحاشی شان رابه نمایش قرار می دهند. سقوط اخلاقی و فرومایگی سازمان انقلابی به حدی رسیده است که وظیفه دفاع از خویش رابه افرادی مانند موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی که تا حال حتی آدم گری و انسانیت را در ست فرانگرفته اند و به جزء دو و دشنام چیز دیگری در مخیله آنها یافت نمیشود ، واگذار کرده است و شرم هم نمیکند. ما یکبار دیگر به سازمان انقلابی و سامای ادامه دهندگان تذکر میدهیم که اگر شما صدها نویسنده حقیقی مانند موسوی ، کبیر توخی ، میرویس نادان ، محمودی و جعلی مانند احمد برومند ، خالقداد پغمانی، آزادل ، س رها، شاهد روشنگر ، عزیز نعیمی ، جاویدوغیره را وارد میدان سازید یا جاسوسی میکنید یا دووشنام کوچه و بازاری میدهید . چیز دیگر از شما ساخته نیست و باهر نوشته ای که بیرون میدهید ، هزار لعنت و نفرین به خود کمائی میکنید .

پایان بخش نهم

یکی از علاقمندان جریان دموکراتیک نوین افغانستان (شعله جاوید)

۲۱ میزان ۱۳۹۲